

نگاه  
تحلیلی  
یک

AFP/عکس

# ماندن در پبله اول

## سیاست خارجی ترامپ در خاورمیانه، برخلاف دیگر نقاط جهان، استمرار سیاست های دولت بایدن است

### بازگشت به آینده در یمن

در یمن هم دولت ترامپ همچنان کم و بیش همان نقشه های دولت بایدن را اجرایی می کند: فرمان حمله نظامی به یمن برای وادار کردن حوثی ها به متوقف کردن حملاتشان در دریای سرخ و به اسرائیل. مانند گذشته ممکن است که این حملات باعث تضعیف توانمندی های حوثی ها شود، اما دست کم تاکنون این حملات نه توانسته اند در مقابل حملات بیشتر این گروه در دریای سرخ بازدارندگی ایجاد کنند و نه جلوی پرتاب موشک علیه اسرائیل را گرفته اند.

### مواجهه با ایران

همانطور که دولت های بایدن و ترامپ به درستی اعلام کرده اند، ایران محور اصلی بسیاری از منازعه هایی است که ایالات متحده آمریکا در منطقه گرفتار آنها شده است. دونالد ترامپ هم حرکات تندی در مقابل ایران انجام داده است از جمله احیای کارزار «فشار حداکثری» و تهدید به اینکه «چنان بمباران خواهند شد که نمونه آن را تاکنون ندیده باشند». در عین حال او برای رهبر معظم ایران نامه نوشته است و خواستار مذاکره و حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات شده است. تردیدی نیست که ترامپ برای یک توافق تحول آفرین آمادگی دارد، اما معلوم نیست که رهبر ایران هم آماده است یا نه. ایران اعلام کرده است که حاضر به مذاکره مستقیم نیست، اما برای مذاکرات غیر مستقیم آمادگی دارد. از یک سو می توان گفت که ایران تحت فشار شدید قرار دارد: دسترسی اش را به سوریه از دست داده است؛ متحد اصلی اش حزب الله به شدت تضعیف شده است؛ و حماس به شکل وسیعی از بین رفته است. علاوه بر این اقتصاد ایران دچار ضعف شده و در مضیقه قرار دارد و سرزمین ایران هم نسبت به حمله آسیب پذیر است. اما از سوی دیگر تندروهای ایران ممکن است شرایط را به شکل دیگری ببینند. بعد از ۱۸ ماه جنگ با اسرائیل (و به تعبیر آنها با آمریکا) محور مقاومت ایران آسیب دیده، اما زنده مانده است. حتی حماس هم به رغم ماه ها حملات مستقیم اسرائیل تا حدودی حفظ شده است، بگذریم از حزب الله، حوثی ها و حشدالشعبی عراق. تاکنون ایران فقط در سوریه شکست کامل خورده است، که حتی آنجا هم دنبال راه هایی است تا موقعیت خود را مجدداً احیا کند. ایران روی شکست هیئت حاکمه جدید دمشق در بازگرداندن اتحاد و ثبات در سوریه حساب باز کرده است و سرمایه گذاری می کند. ایران احساس می کند که استمرار چنددستگی این کشور، مسیر را برای بازگشت ایران به سوریه باز می کند. رویدادهای ماه مارس در سواحل غربی سوریه نشان داد که تصور ایران چندان هم بی راه نیست. نگران کننده این است که هم ایران و هم اسرائیل به شکست حکومت جدید سوریه متعهد هستند و به چنین رخدادی کمک می کنند. با نگاه به کارنامه ایران و اسرائیل، دو قیپ اصلی در خاورمیانه، در ۱۸ ماه گذشته، نمی توان به نتیجه روشنی رسید. این درست است که ایران نسبت به حمله اسرائیل و آمریکا آسیب پذیر است، اما ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳ اسرائیل بیشترین تعداد تلفاتش را در تاریخ مدرن ثبت کرد و از آن زمان تاکنون به صورت پیوسته در حال جنگ با بسیج کامل عمومی بوده است. در برابر، ایران در این مدت امن تر بود و کمتر درگیر شده است. در ماه های آوریل و اکتبر سال گذشته میلادی دو مورد حمله هدفمند به سامانه های دفاع هوایی، کارخانه تولید سوخت موشک و یک محل پژوهش های اتمی در ایران انجام شد، که بدون تردید حمله های مهمی بود و آسیب پذیری های ایران را برملا کرد. اما در عین حال ایران و ایرانی ها به هیچ وجه در ابعادی که اسرائیل و اسرائیلی ها در ۱۸ ماه گذشته رعب و وحشت مستمر تحمل کرده اند، متحمل نشده اند.

اسرائیل است، آمریکا است یا هر دو،) به عبارت دیگر امید به صلح پشت ابرهای جنگ پنهان شده است.

### اسرائیل و فلسطین

بدون تردید تا به امروز دولت ترامپ در هیچ یک از مسائل کلیدی خاورمیانه نتوانسته است از گام اول فراتر برود. در غزه، واشنگتن بار دیگر در مذاکرات با حماس، از طریق واسطه های قطری و مصری، برای آزادی گروگان ها، رسیدن به یک آتش بس پایدار و توافقی برای وضعیت پس از جنگ این سرزمین به شدت آسیب دیده گرفتار شده است. در کرانه باختری رود اردن هم شرایط به شکل روزافزونی در حال وخیم تر شدن است. آمریکا با نهم نگاهی به عادی سازی روابط سعودی و اسرائیل هنوز روشن نکرده است چه امتیازی می تواند به فلسطینی ها پیشنهاد بدهد که اسرائیلی ها با آن موافق باشند و عربستان هم آن را کافی بداند. موضوع نگران کننده این است که استیو ویتکاف، فرستاده ویژه آمریکا به خاورمیانه با رها در مورد عادی سازی روابط سعودی و اسرائیل سخن گفته است، اما فقط به ترتیبات مرتبط با غزه در این مورد اشاره کرده است و هیچ اشاره ای به ترتیبات مربوط به کرانه باختری نکرده است. سوال اینجاست که غیبت این مسئله از صحبت های ویتکاف، فقط یک رویداد تصادفی است یا اینکه سیاست رسمی کاخ سفید محسوب می شود؟ تردید زیادی وجود دارد که اگر اسرائیل فقط حاضر شود امتیازاتی در مورد غزه بدهد و کرانه باختری را نایبده بگیرد، عربستان سعودی حاضر به عادی سازی روابط شود. قطعاً باید امتیازهایی در خصوص کرانه باختری هم بخشی از معامله باشد.

### مسیر پیش رو در لبنان

در لبنان، آتش بسی که با وساطت آمریکا برقرار شد، اندکی بهتر از غزه دوام آورده است، اما این آتش بس هم شکننده به نظر می رسد. اسرائیل حضور نظامی خود را در پنج نقطه در خاک لبنان ادامه داده است. این اقدام اسرائیل فقط باعث می شود که روایت حزب الله تقویت شود. اسرائیل در عین حال همچنان به حملات خود به اهداف حزب الله در خاک لبنان ادامه می دهد. دو هفته پیش برافروخته شدن مجدد شعله نبرد، از جمله نخستین حمله هوایی اسرائیل به بیروت از زمان آتش بس، نگرانی ها در مورد نابودی کامل توافق آتش بس را بیشتر کرد. هفته پیش اسرائیل حمله هوایی دیگری هم به پایتخت لبنان انجام داد. در سمت دیگر حزب الله تا حد زیادی تعهدات خود را برای تخلیه مواضع به سمت جنوب رودخانه لیتانی اجرایی کرده است، بسامد و شدت حملات اسرائیل به نسبت قبل از آتش بس به شکل چشمگیری کاهش پیدا کرده است و بیش از یک میلیون آواره لبنانی به شهرها و محلات خودشان در جنوب لبنان و دشت بقاع بازگشته اند. با این حال بازگشت آوارگان اسرائیل به شهرک های شان در شمال اسرائیل به شکل چشمگیری محدودتر بوده است. چالش بعدی مرتبط با لبنان، اطمینان یافتن از این موضوع است که آتش بس به اجرای قطعنامه های سازمان ملل منتهی شود. این قطعنامه ها خواستار خلع سلاح کامل حزب الله لبنان و هر گروه مسلح غیردولتی دیگر می شود. حزب الله هر چند با عقب نشینی به جنوب رودخانه لیتانی موافقت کرده است، اما حاضر به پذیرش تحویل سلاح هایش در شمال رودخانه به دولت لبنان نیست. این موافقت می تواند به یک درگیری سیاسی و امنیتی داخلی جدی در لبنان تبدیل شود یا به صورت بالقوه باعث از سرگیری جنگ تمام عیار اسرائیل علیه حزب الله شود و یا هر دو پیامدار همزمان به بار بیآورد.



پیل سالم



معاون اندیشکده موسسه خاورمیانه

۶۰ روز نخست دوره دوم ریاست جمهوری دونالد ترامپ تنش را در سیاست داخلی و سیاست گذاری ایالات متحده آمریکا افزایش داد و در عین حال روابط آمریکا را با دوستان و دشمنان در قاره های آمریکا، اروپا و آسیایزیر و رو کرد اما در خاورمیانه در مجموع اهداف آمریکا تغییر چندانی نکرد. به همین ترتیب در نگاه کلی سیاست های خاورمیانه ترامپ چندان انحرافی نسبت به سیاست های جو بایدن ندارد، و جوه اشتراک سیاست این دو را می توان به این ترتیب بر شمرد: نخست تعهد قوی به امنیت اسرائیل و تمایل برای پایان دادن به منازعه در غزه و لبنان؛ دوم اولویت دادن به یک توافق سه جانبه میان عربستان سعودی، آمریکا و اسرائیل با هدف عادی سازی روابط دیپلماتیک سعودی و اسرائیل که مستلزم امتیازاتی از سوی اسرائیل به فلسطینیان است؛ سوم ارزش دادن به روابط اقتصادی و فناوری با کشورهای شورای همکاری (خلیج فارس) که به خودی خود یک هدف محسوب می شود و در عین حال هدف آن مهار چین است؛ چهارم تمایل قوی به مذاکره برای یک توافق با ایران. آنچه از این فهرست برمی آید و با توجه به گام هایی که تاکنون ترامپ برداشته است، تمرکز ترامپ بر رسیدن به دو تحول بنیادین ارزشمند است که سلفش در رسیدن به آنها ناکام ماند: نخست پایان دادن به منازعه اعراب و اسرائیل که تاکنون آن توافق سه جانبه آمریکا - سعودی - اسرائیل و عادی سازی روابط عربستان و اسرائیل باشد و دوم توافق میان آمریکا و ایران. هر دوی اینها می تواند دستاوردهایی تاریخی باشند. اما تاکنون مشخص شده است که به سرانجام رسیدن هر دوی این پرونده ها مشکل و پیرزحمت هستند.

### ماه های نخست

دونالد ترامپ حتی پیش از اینکه رسماً کارش را در کاخ سفید آغاز کند، اثر خود را در پویایی های خاورمیانه نشان داده بود. یک هفته پس از اینکه او در انتخابات پیروز شد، اسرائیل و لبنان توافقنامه ای را با وساطت آمریکا برای توقف ۱۵ ماه درگیری بین اسرائیل و نیروهای حزب الله امضا کردند. درست چند روز پیش از آنکه روز ۲۰ ژانویه مراسم تحلیف ترامپ برگزار شود، اسرائیل و حماس به توافق مبادله اسرا و آتش بس رسیدند. در هر دو پرونده گزارش شده است که ادبیات ترامپ و اطرافیان در رسیدن به این توفیق های دیپلماتیک نقش محوری داشتند. ترامپ محور کارزار تبلیغات انتخاباتی اش را بر مبنای پایان دادن به جنگ ها (و نه آغاز جنگ های جدید) قرار داده بود و اینگونه به نظر می رسد که وعده او در حال عملی شدن است. اما حالا کمی پیش از دو ماه بعد از آغاز ریاست جمهوری او، آتش بس در غزه به شکل گسترده ای نقض شده است و اسرائیل عملیات نسبتاً گسترده نظامی خود را از سر گرفته است. آتش بس در لبنان نیز به شکل کامل اجرایی نشده است و در طول هفته های گذشته حملات اسرائیل به بیروت و حملات راکتی حزب الله از سوی لبنان باعث شده است که این آتش بس هم در خطر فروپاشی قرار بگیرد. از دو هفته پیش، ایالات متحده آمریکا رأساً وارد منازعه گسترده تر نظامی یا حوثی ها شده است و حملات هوایی علیه این گروه را تشدید کرده است. یکشنبه هفته گذشته، دونالد ترامپ تهدید کرد که اگر ایران به توافق با آمریکا رضایت ندهد، جنگ با ایران اتفاق می افتد. (هر چند او توضیح نداد که طرف این جنگ

آنچه در این ستون می خوانید، دیدگاه های رسانه های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع رسانی منتشر می شود و این دیدگاه ها موضع روزنامه «هم میهن» نیست.

HAARETZ

## اسرائیل ابزار فشار ترامپ بر تهران

دولت ترامپ فشار خود را بر دولت نتانیاهو برای حل مسئله غزه افزایش داده است. نتانیاهو، به رغم اینکه دوشنبه دقیقاً ۱۸ ماه از حمله حماس گذشت، فعلاً بیشتر درگیر وقت کشی است. او دقیقاً یک سال پیش به افکار عمومی اسرائیل گفته بود که «فقط یک قدم» تا پیروزی در غزه فاصله دارد. همزمان تحولات زیادی هم در تبادل پیام بین آمریکا و اسرائیل از یک سو و ایران از سوی دیگر رخ داده است. آمریکا با ارسال سامانه های ضد موشک تاد جدید به اسرائیل، برای حمایت از سامانه بومی پیکان اسرائیل، دفاع موشکی اسرائیل را تقویت کرده است. رسانه های بین المللی سرشار از گمانه زنی هایی در مورد آمادگی احتمالی اسرائیل برای حمله به ایران است. آمریکا تعداد زیادی نیرو در منطقه و اقیانوس هند مستقر کرده است و بمب افکن های ب-۵۲ به منطقه اعزام کرده است. در عین حال آمریکا و بریتانیا به حملات هوایی خودشان به حوثی های یمن ادامه می دهند.

مخالفت مشترک آمریکا و اسرائیل با برنامه هسته ای ایران باعث افزایش فشار بر تهران شده است. این شرایط با رویدادهای اخیر در یمن هم تناسب دارد. ژنرال بازنشسته کنت مک کنزی که در گذشته فرماندهی سنتکام را بر عهده داشت روز یکشنبه در نیویورک تایمز نوشت که حملات دولت ترامپ به یمن تغییر رویکرد نسبت به دولت بایدن محسوب می شود. به اعتقاد این مقام نظامی پیشین آمریکا دولت قبلی آمریکا تلاش می کرد تا تهدید حوثی ها نسبت به دریاوردی در دریای سرخ را نادیده بگیرد. به گفته او، هر آسیبی که به حوثی ها وارد شود، به معنای ضربه به نفوذ ایران در منطقه است که پیش از این هم به دلیل جنگ اسرائیل علیه حزب الله و سقوط بشار اسد در سوریه، آسیب جدی دیده است. مک کنزی فکر می کند که رویدادها در یمن شروعی بر یک سال بسیار بد برای ایران است. به گفته او رژیم ایران در مقابل اعمال قدرت با احترام برخورد می کند. به گفته او از آنجا که رهبران ایران می دانند بخت حمله اسرائیل یا آمریکا به تأسیسات هسته ای ایران بسیار بالاتر از هر زمان دیگر است، شاید به دلیل نگرانی از سرنواخت خود، گفت و گوهای هسته ای را از سر بگیرند.

به نظر می رسد که دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا قصد دارد از اسرائیل برای پرونده غزه و ایران به عنوان ابزار استفاده کند. ترامپ فعلاً به اسرائیل اجازه داده است حملات محدود به غزه را ادامه دهد و ایران را تهدید کند و قصد دارد از این فشار اسرائیل به عنوان ابزاری برای رسیدن به راه حلی که خودش ترجیح می دهد برای این مسائل استفاده کند و این پرونده ها را به صورت مسالمت آمیز حل و فصل کند. استیو ویتکاف، فرستاده ترامپ در خاورمیانه، دوشنبه در جلسه ای با تعدادی از خانواده های اسرائیلی شرکت کرد. او همچنین در مورد آزادی گروگان های اسرائیلی در غزه امیدوارانه بر خورد می کند. با این حال او همچنان از یک توافق دوماهه ای سخن می گوید که در گام اول یک آتش بس چند هفته ای برقرار شود که در حین آن تعدادی از گروگان ها آزاد شوند و در مرحله بعد در مورد یک آتش بس دائمی گفت و گو شود و بقیه گروگان ها آزاد شوند. به رغم اعلام هدف نهایی اشغال کامل غزه توسط ایال زامیر، رئیس ستاد ارتش اسرائیل، این ارتش هنوز به صورت گسترده برای رسیدن به این هدف وارد عمل نشده است. در واقع به نظر می رسد هدف این است که با استمرار میزان فشار کنونی، بار دیگر مذاکرات آزادی گروگان ها از سر گرفته شود. به نظر می رسد تنها کسی که برای اشغال مجدد غزه اشتیاق دارد، بتسلئیل اسموتریچ، وزیر دارایی اسرائیل است. اسموتریچ فردی است که کاملاً نسبت به مشکلات اقتصادی و نگرانی های سربازان ذخیره بی تفاوت است و بر اساس نظرسنجی ها حزب او احتمالاً نمی تواند وارد دور بعد کنست اسرائیل شود.